

فیلسوف با کسی دعوا ندارد

کریم مجتهدی: فیلسفه را نمی توان از تاریخ فلسفه جدا کرد. فلسفه در تاریخ خودش زنده است و در حرکت جوهری خودش وجود دارد. این حرکت جوهری یک منطقی دارد. فلسفه موضوعی نیست و فیلسوف با کسی دعوا ندارد بلکه فلسفه دعوت به یادگیری و همانند درس خواندن است. فلسفه دانشگاهی است که محدود به در و دیوار نمی شود. فلسفه در و دیوار ندارد و وسعت بسیار زیادی دارد.



مهدی فدایی مهربانی
استادیار دانشگاه تهران

اَلطَّلَف عالم جبروت (عقول) در کار است. هر یک از این «وجه سه گانه حضور»، وجه شناختی خاص خود را دارند و در هر جهانی نیز تاویل ویژه ای دست اندرکار است. این عوالم مطابق با سه ساخت هیولانی، نفسی و عقلی است. (قمی، ۱۳۶۲: ۹۶) به زعم قاضی سعید، هر یک از عوالم فوق تحت حجاب هایی است که حجب اجسام و نفوس و عقولند؛ اما ساخت ربوبی، محبوب نیست بلکه محتجب است. بنابراین حجاب ها که کشف آنها به مثابه نوعی معرفت یابی است، در درجه نخست حجاب هایی بین عبد و مولی هستند. (قمی، ۱۳۷۹: ۱۶۳) بدین ترتیب در جهان شناسی حکمت الهی، زمان و مکان به یکدیگر مرتبط می شوند. در تاویل معنوی که در عالم مثال رخ می دهد، زمان لطیف تاریخ قدسی، با مکان مثالین مرتبط می شود.^(۱) تمام تلاش اندیشه شیعی، برقراری ارتباط میان زمان و مکان بدین طریق است. بنابراین در فرایند فهم، مکانیت انسان ارتباطی عمیق با حیث زمانی او برقرار می کند. از آنجا که معرفت در اینجا اساسا با مفهوم زمان مرتبط است، بیان تجربه هایی که در ساخت فرازمانی وان سوی تاریخ رخ داده است، در «ساحت تاریخی» و «زمان خطی» نافرجام است. از سوی دیگر چنین تجربه هایی مبتنی بر حضورند و حضور امری کاملا شخصی است و از این جهت امکان انتقال چنین معرفتی از طریق بیان یا متن، غیرممکن است. انتقال معنا در اینجا به شیوه ای انفسی تحقق می پذیرد و در اغلب موارد، سالکان با در مقام «عالم خیال» با استاد خویش ارتباط یافته و معرفت را دریافت می دارند^(۲) یا اینکه اساسا استاد به یک راهبر تبدیل می شود که تنها مسیر را نشان می دهد. به هر حال چنانکه صوفیان برآنند «شیخ مرغ صفت است و مرید، بی پر و بال» پس مرید باید که «در گونه بال همت شیخ طیران نماید». (مستعلی شاه، نسخه خطی ۷۵۵۶/۳ دانشگاه: ۲۹)

هنگامی که انتقال معنا به صورت انفسی درمی آید، تنها «روش تاویلی» است که می تواند کارساز باشد. «تاویل های بی شمار درونی» که هر یک در سلسله مراتبی استکمالی قرار می گیرند و همگی از اعتبار برخوردارند. معرفت، چنانکه برای کسی عیان شده است، هرگز تکرار نمی شود و هربار سالک در مواجهه با «فیض الهی»، «دریافتی باطنی و درونی از ندای الهی» دارد. بدین ترتیب ما همواره با موقعیتی ناب و تجربه نشده مواجهیم؛ چنین حضوری، این امکان را برای انسان فراهم می کند که از «آنجا نیت دازاین هایدگری» که محدودیت های درمان ناپذیری برای فهم آفریده است، فراتر رود و در «هستی- معطوفه- آن- سوی- مرگ»، از هر گونه مفهوم ابعدمند و محدود (دارای حد) که مختص جهان بسته است، مبری باشد. بنا بر حدیثی از امام علی (ع) تلقنی که صرفا معطوف به جهان باشد و از توجه به ماورای جهان غفلت ورزیده باشد، «گوش را از شنیدن حکمت کر و دل ها را از نور بصیرت و بینایی کسور» می کند. (قمی، ۱۳۸۵، ج: ۱۷۰: ۳۱۷) بنابراین به هر میزان که آدمی از شاخصه های جهانمندی اش می کاهد، حضور و تقرب بیشتری در ساخت «فهم وجود» می یابد. حضور در ساحت «فهم وجود» با استعلا ی از تکرر موجودات محقق می شود. این تنها طریق راهیابی به گنه وجود است.

نخستین نکته که در باب وجود باید بدان توجه داشته باشیم این است که وجود، تعریف ناپذیر است. «تعریف» متعلق به ساحت هایی است که ذاتا محدودند مانند ساحت بی جان، ساحت نباتی، ساحت فیزیولوژیک، ساحت جاندار و ساحت روانی.^(۳) (چیتیک، ۱۳۸۸: ۱۶۱) کاری که «منطق» در تعریف و مقوله بندی های همه جانبه خود انجام می دهد، همین مسدود کردن «راه فهم» است. از آنجا که وجود محدود به هیچ حدی- همچون زمان، مکان، نسبت و جهت- نیست، تعریفی نیز برای آن نمی توان در نظر آورد. این را بزرگ ترین وجود اندیشان غربی همچون افلاطون و هایدگر نیز اعتراف کرده اند.

«حقیقت چیزی» را آنگاه می توان تعریف کرد که هویتی داشته باشد. هویت داشتن نیز مستلزم محدود بودن به حدودی است که تعریف را ممکن می کند؛ اما حقیقت وجود دارای هیچ حد و ماهیتی نیست. با این وجود «فهم همین محدود بودن ذهن انسان» برای «فهم حقیقت وجود»، باب حضور را در مقابلش می گشاید.

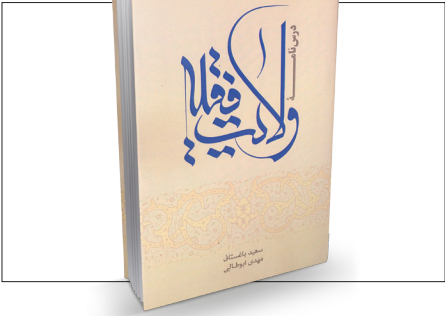
وجود برای هر انسانی، «وقتی» از خود را ظاهر و پدیدار می کند؛ آنچه برای ما ظاهر شده است، مواجهه ما با وجود است اما همه حقیقت وجود نیست. این در نوع خود بدین معنی است که حوزه «عظیم تری از وجود در پس حجاب است». وجود ذاتا در پس همه موجودات متکثر، محبوب و مستور است و این یعنی در پس کثرت های ظاهر، باطنی قرار دارد که واحد است.

اما چیست آن وجودی که «در پس همه موجودات» در حجاب و مستوری قرار گرفته است؟ چیست آنی که

اخبار، یادداشت و گزارش هایی از اندیشه و آیین

درس نامه ولایت فقیه منتشر شد

کتاب «درس نامه ولایت فقیه» به همت سعید باغستانی و مهدی ابوطالبی توسط انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتشر شد. این کتاب در ۱۴ درس تدوین شده که مبانی نظریه ولایت فقیه، اصول حاکم و تاریخچه نظریه ولایت فقیه، ادله عقلی و نقلی ولایت فقیه، تعیین ولایت فقیه و نظارت بر عملکرد او، حدود اختیارات ولی فقیه، بخش هایی از سرفصل های آن است.



تناسب وجود و حقیقت

فهم در گرو ترک غربت غربی

می تواند محدود به هیچ حدی نباشد و ازلی و ابدی باشد؟

در سنت فلسفی اسلامی همواره یک پاسخ که ارجاعی قرآنی نیز دارد، ارائه شده است؛ وجود عین خداوندی است که در قرآن در رمز نور آمده است.^(۵) (نور: ۳۵) ملاصدرا بر مبنای همین رمز قرآنی و بر نهج سهروردی، خداوند را همان وجود یا نور دانست. (شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۵) بنابراین «اصالت وجود» یعنی عرفان به تمام معنا؛ یعنی اصالت حق که در قاعده «بسیط الحقیقه» به خوبی مورد تاکید قرار گرفته است. قائل شدن به اصالت وجود در نهایت نوعی وحدت را بر عالم حاکم می کند؛ چون وجود واحد است و «حد یقف» ندارد.^(۶) با این حال پهنه وجود در ساحت موجودات دارای کیفیتی ثابت نیست. مناسب ترین اصطلاح برای نشان دادن سلسله مراتب وجودی در عین وحدت آنها، اصطلاح «تشکیک» است که در مصداق خارجی آن را شدت یا (لطافت وجودی» نامیده اند. موجودات مختلف و متکثر هر یک به اندازه ای از لطافت وجودی برخوردارند و هرچه موجودات از لطافت بیشتری برخوردار شوند، شدت وجودی بیشتری دارند. این شرایط به دوری و نزدیکی به منبع نور شبیه است. در میان فلاسفه شیخ اشراق مناسب ترین اصطلاح را برای وجود ارائه داده که خود با نهایت فروتنی آن را ماخوذ از حکمت حکمای الهی ایران باستان می داند؛ «نور» که اصطلاحی کاما قرآنی است، در این کتاب آسمانی بارها در مورد وجود الهی از آن استفاده شده است.

اما فهم «وجودی که الهی است» تنها از طریق انسان



ما همواره با موقعیتی ناب و تجربه نشده مواجهیم چنین حضوری، این امکان را برای انسان فراهم می کند که از «آنجا نیت دازاین هایدگری» که محدودیت های درمان ناپذیری برای فهم آفریده است، فراتر رود و در «هستی- معطوفه- آن- سوی- مرگ»، از هر گونه مفهوم ابعدمند و محدود (دارای حد) که مختص جهان بسته است، مبری باشد. بنا بر حدیثی از امام علی (ع) تلقنی که صرفا معطوف به جهان باشد و از توجه به ماورای جهان غفلت ورزیده باشد، «گوش را از شنیدن حکمت کر و دل ها را از نور بصیرت و بینایی کور می کند،»



چاپ کتابی تازه از دوباتن

کتاب «عشق، کار و منزلت در عصر مدرن» نوشته آلن دوباتن با ترجمه شقایق نظرزاده در نشر فرمهر منتشر شد. کتاب حاضر ترجمه ای است از سمینارهایی که دوباتن در باب مضامینی مشترک با کتاب هایش و نه لزوما محدود به آنها ارائه کرده است. این کتاب در ۱۶۷ صفحه و شمارگان ۱۱۰۰ نسخه به بهای ۱۶ هزار تومان وارد بازار کتاب شده است. «جستارهایی در باب عشق» کتاب دیگری از دوباتن است که پیش از این مورد استقبال قرار گرفته بود.



۴- استفاده از واژه حوزه، بخش، ناحیه و... برای وجود مبتدیانه به نظر می رسد، زیرا تمامی واژه های مذکور اشاره به چیزی متعین دارند که دارای حدود مشخص است؛ در عبارت بالا ما برای اشاره به آنچه از وجود که برای یک انسان آشکار می شود و مورد فهم او قرار می گیرد، اصطلاح «وقت» را به کار بردیم که در حدیث نبوی «لی علی... ا وقت» دیده می شود، اما برای اشاره به آنچه از وجود برای کسی آشکار نشده و محبوب است، نمی توانیم هیچ واژه ای را به کار ببریم، زیرا در وجود هیچ حد مرزی نمی یابیم؛ بنابراین به واژه حوزه که به غایت رهنر است بسنده کرده ایم.

۵- از سوی دیگر مطابق با آیات قرآن تنها همین وجود است که حق است و مادون آن هرچه هست باطل است؛ ذلک بأن الله هو الحق وأن ما یذعون من دونه هو الباطل. (حج: ۶۲) چنانکه می دانیم در ادبیات عرب تقدم ضمیر باعث حصر است. هنگامی که می گوئیم «حق او است»، حقیقت منحصر به او خواهد شد و این متفاوت با هنگامی است که بگوئیم «او حق است.»

۶- در قرآن هم وجود یا نور واحد است و موجودات متکثرند. (رک: نور: ۳۵، زمر: ۶۹ و انعام: ۱)

۷- بر همین مبنا در تعریفی از تصوف گفته اند «التَّصَوُّفُ تَرْكُ الدَّعَاوِی وَكِنَمَانُ الْمَعْنَاِ؛ تصوف ترک دعوی ها و کتمان معنی ها است.» (جامی، ۱۳۳۶: ۲۵۵) و باپا ظاهر فوائد اوقات را سه امر دانسته: «حفظ وقت و شرط وقت (حفظ ادب) و کتمان وقت،»

(جنابذی، ۱۳۳۳: ۱۹۶)

۸- عزالدین محمود کاشانی هم در کتاب مصباح الهدایه به هم ریشه بودن «وحد» و «وجود» اشاره دارد. گویا وجد که سنجی از معرفت عارفانه است هنگامی رخ می دهد که نور وجود بر سالک بتابد. چنانکه روزبهان معتقد است «وجد نور آفتاب قدس است که از مطلع انس برآید و طیب کند اوقات طالبان را تا از خودی بیگانه شوند.» (روزبهان بقلی، ۱۳۵۱: ۵۶) این هم ریشگی هنگامی معنا ی نهایی خود را می یابد که اصطلاح غربی «وجدان» را نیز که از ریشه وجد است در کنار آنها قرار دهیم. در اینجا مشخص است که معرفت در حکمت الهی وجدی است که از طریق منبع وجود در وجدان سالک قرار می گیرد. اینجا یک بار دیگر می توانیم معنای حدیث امام ششم را در تعریف علم به نوری که خداوند در دل مومن قرار می دهد به یاد آوریم. خود عزالدین کاشانی در تعریف علم آورده است: «مراد از علم نوری است مقتبس از مشکوه نبوت در دل بنده مومن که بدان راه یابد به خدای، یا به کار خدای، یا به حکم خدای. و این علم خاص انسان است و ادراکات حسی و عقلی او از آن خارج.» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۹۰) این تعریف کاشانی کاملا منطبق با حکمت الهی است؛ چنانکه علم را نوری دانسته که دارای واقعبت بیرونی است که تنها بنده مومن «بدان راه یابد» و خاص انسان است. کاشانی همچنین در پایان تعریف تاکید می کند که تجربه و تفکر انتزاعی بدان راه ندارد، بنابراین معرفت از طریق فلسفیدن و مفهوم پردازی به دست نمی آید.

۹- ابن سینا علاوه بر طاق، از اصطلاح مشابه «بحسب الاستعداد» نیز استفاده کرده است. (ابن سینا، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۴۹۰: ۱) البته حاج محمد کریمخان کرمانی در رساله تاویل الاحادیث فی علم الرؤیا اصطلاح جالب توجه «بحسب الهمه» را به کار برده است. (کرمانی، ۱۲۹۸: ۵۰)

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن تکرکصفهانی، صائئالدین علی بن محمد، تمهید القواعد (التمهید فی شرح قواعد التوحید)، با حواشی آقا محمد رضا قشقه ای و آقا میرزا محمود قمی، ترجمه سیدجلال الدین آشتیانی، قم، بوستانت کتاب، ۱۳۸۱
- ۳- ابن سینا، اشارات و تنبیهات، ج ۱، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۳
- ۴- آقا یاقق، نسخه خطی شماره ۱۴۵۸ دانشگاه تهران
- ۵- بقلی شیرازی، روزبهان، رساله القدس، به کوشش جواد نوربخش، تهران، انتشارات خاتقا نعمت الهی، ۱۳۵۱
- ۶- تیممی آمدی، قاضی سیدناصح الدین، غرر الحکم و درر الکلم؛ مجموعه کلمات قصار حضرت علی (ع)، ترجمه حاج محمدعلی انصاری قمی، قم، نشر انصاریان، ۱۳۸۵
- ۷- حاجی، عبدالرحمن بن احمد، نفعات الانس، به تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی پور، تهران، انتشارات محمودی، ۱۳۳۶
- ۸- جناب ذی، میرزا بیگ، روضه الصوفیه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸
- ۹- چیتیک، ویلیام، علم جان علم جهان، ترجمه سید امیرحسین اصغری، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸
- ۱۰- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، اسرار الایات، تصحیح و تقدیم، محمد خواجوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰
- ۱۱- قمی، قاضی میرزا محمد سعید بن الحکیم محمد مفید، شرح الاربعین، صححه و علّق علیه نجفعلی حبیبی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۷۹
- ۱۲- قمی، قاضی میرزا محمد سعید بن الحکیم محمد مفید، کلید بهشت، با مقدمه و تصحیح و به سعی و اهتمام آقای سید محمد مشکو، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۲
- ۱۳- کاشانی، عزالدین محمود بن علی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، مقدمه و تصحیح از جلالالدین همایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۹
- ۱۴- کاشانی، عبدالرزاق، اصطلاحات الصوفیه، ترجمه محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۲
- ۱۵- کردستانی، فخرالعلماء، تنبیاهن الرموز، رساله ای در برد یقین نغی، قم، انتشارات آیت اشراق، ۱۳۸۸
- ۱۶- کرمانی، حاج محمد کریمخان، تاویل الاحادیث فی علم الرؤیا، کرمان، مطبعه السعاده، ۱۲۹۸
- ۱۷- مستعلی شاه شیروانی، حاجی زین العابدین، رساله در تعریف الصف و صوفیان (به تاریخ ۱۳۱۱ ق)، نسخه خطی ۷۵۵۶/۳ دانشگاه
- ۱۸- نیچه، فریدریش ویلهلم، تاملاتی در باب جدال میان معرفت و هنر، از مجموعه فلسفه، معرفت و حقیقت، ترجمه مرادفرهادپور، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲/الف

www.fdn.ir

@farhikhtegandaily

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ ■ ۴ رمضان ۱۴۳۹ ■ ۲۰ می ۲۰۱۸ ■ شماره ۲۴۹۷

اتهام انتحال به «نقد فرهنگ»

سیدجواد طباطبایی: چرا گفت وگو شکل نمی گیرد؟

این هم دلایل! مگر می شود ناشری که این همه ادعای اخلاق دارد و مدعی بررسی کتابی در چند هفته و در ساعت های طولانی است، کتابی با همان عنوان چاپ و منتشر کند؟ اگر ناشر که معلم فلسفه و اخلاق نیز هست دست کم عنوان های کتاب های مرا از نظر گذرانده بود می توانست بداند که «تأملی درباره ایران» عنوان سه مجلد انتشار یافته تاکنون است که از ۲۰ سال پیش ۲۰ بار تجدید چاپ شده و چند کتاب و رساله دانشگاه و نهادهای پژوهشی نوشته است. بدیهی است چنین کاری مصداق انتحالی است که از مدتی پیش دامنگیر دانشگاه و نهادهای پژوهشی کشور شده است. جای شگفتی است مسئولان کتابخانه ملی _ فیبا _ و وزارت ارشاد که بر حسب معمول مو را از ماست می کشند، اینقدر توجه نکرده اند. ناشر کتاب که مدعی «نقد فرهنگ» است در پاسخ اعتراض وکیل من گفته بود که او در جریان چاپ کتاب نبوده، «بچه های انتشارات این کار را انجام داده اند» و بعد از اتهام نمایشگاه بررسی و رسیدگی خواهد کرد! امیدوارم که چنین باشد.